

دکتر دانیل کی. دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۲۹ قوانین خانه‌داری، افسسیان ۲۱:۵-۹:۶

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دن دارکو و مجموعه سخنرانی‌هایم در مورد رساله‌های زندان هستم. این جلسه ۲۹ قانون خانواده افسسیان ۲۱:۵-۹:۶ است.

به مجموعه سخنرانی‌های مطالعه کتاب مقدس خوش آمدید. شما خیلی خوب پیش رفته‌اید، پس لطفاً ادامه دهید.

ما دو تای دیگر هم داریم و قرار است مجموعه رساله‌های زندان را تمام کنیم. امیدوارم شما هم مثل من در حال یادگیری باشید. در سخنرانی قبلی، که صرفاً خلاصه‌ای از سخنرانی قبلی بود، توجه شما را از فصل ۵ آیه ۱ جلب کردم، اینکه چگونه پولس همه این تضادها را مطرح کرد، و سپس در پایان، نور و تاریکی را در مقابل هم قرار داد و خوانندگان را به چالش کشید تا واقعاً مانند فرزندان نور زندگی کنند.

در این سخنرانی، من آن را «قوانین خانه «نامیده‌ام». قوانین خانه «اساساً کلمه‌ای است که از کلمه آلمانی در آلمانی به معنای قوانینی است که باید بر یک خانه Hausdorfer. ترجمه شده است Hausdorfer. حاکم باشد.

به عبارت دیگر، اصول مدیریت خانه. محققان انگلیسی در تلاش برای آوردن آن به انگلیسی، در واقع روش مناسب برای ترجمه آن را به عنوان «کد خانه «پیدا کردند، از این رو عنوان «کد خانه «را به خود گرفت. اما ما «کد خانه «را در زمینه‌ای قرار می‌دهیم که احتمالاً قبلاً به آن توجه نکرده‌اید.

بیایید با نگاهی به آیه ۱۵ از فصل ۵ افسسیان شروع کنیم، زیرا از آنجا بحث خود را در مورد رابطه زن و شوهر، رابطه والدین و فرزند و رابطه غلام و ارباب آغاز خواهیم کرد، از این نقطه خاص که پولس قصد دارد راه‌های احمقانه و راه‌های عاقلانه را با هم مقایسه کند. بنابراین، بیایید آن را بخوانیم. از آیه ۱۵، با دقت به نحوه کار خود نگاه کنید، نه به عنوان نادان، بلکه به عنوان خردمند، و از زمان بهترین استفاده را ببرید زیرا این روزها شیطانی هستند.

بنابراین، نادان نباشید، بلکه بفهمید که اراده خداوند چیست. و از شراب مست نشوید، زیرا این هرزگی است بلکه از روح پر شوید، با مزامیر و سرودها و سرودهای روحانی با یکدیگر صحبت کنید، با تمام وجود برای خداوند بسازید و آهنگ بسازید، همیشه و برای همه چیز از خدای پدر به نام خداوند ما عیسی مسیح سپاسگزار باشید و از روی احترام به مسیح تسلیم یکدیگر باشید. بیایید یک دقیقه اینجا مکث کنیم.

در آیات ۱۵ تا ۲۱، پولس به آموزه‌های اخلاقی خود در مورد تضاد خردمندانه و احمقانه ادامه می‌دهد. تا این زمان، تمرکز او بر چگونگی همکاری جامعه در وحدت به عنوان بدن مسیح بوده است. او انواع آموزه‌ها را برای ترویج آنچه ما انسجام درونی می‌نامیم، به عبارت دیگر، همبستگی، حس هماهنگی در جامعه، صادر کرده است.

و اینجا، با این تضاد خاص، خواهیم دید که چگونه او به شیوه‌ای بسیار بسیار هوشمندانه از رابطه با کلیسای گسترده‌تر که آن را به عنوان خانواده خدا توصیف می‌کرد، به رابطه با خانواده کوچک مؤمنان، یعنی محیط خانه‌های کوچک خانوادگی، تغییر جهت خواهد داد. او با به چالش کشیدن آنها شروع می‌کند که نادان نباشند. من این را دوست دارم.

(احمق (شروع نمی‌کند. او در واقع به معنای واقعی کلمه از foolish او با استفاده از کلمه یونانی (به معنای «پس‌پیش» (so forth به جای so forth) بی‌خرد (به صورت unwise انگلیسی، کلمه یونانی «به معنای «پس‌پیش» so forth استفاده کرد. او گفت

بنابراین انگلیسی بهترین ترجمه است، پس نادان نباشید. در عوض، خردمند باشید. دقیقاً همان نوع چارچوب بلاغی برای تقویت تضادی که او سعی در ایجاد آن دارد.

فرد خردمند در دنیای باستان کسی است که قادر به قضاوت اخلاقی صحیح است. او کسی نیست که به گرفته باشد، اما زندگی‌ای داشته باشد که وقتی به واقعیت زندگی A دانشگاه رفته و در تمام دروس خود نمره او نگاه می‌کنید، هیچ چیز قابل ستایشی در آن وجود نداشته باشد. نه، فرد خردمند در زمان و مکان مناسب انتخاب‌های اخلاقی می‌کند.

در هر دو عهد عتیق و عهد جدید، فرد خردمند از احکام خدا پیروی می‌کند و آنها را در رفتار واقعی خود به نمایش می‌گذارد. قضاوت آنها به شدت تحت تأثیر خواسته‌های خدا قرار دارد و آنها در نظم و انضباط شخصی به خوبی عمل می‌کنند تا بتوانند این خواسته‌ها را در زندگی خود پیاده کنند. آنچه در ذهن است، به شخصیت و شیوه زندگی آنها تبدیل می‌شود.

فرد احمق، برعکس، انتخاب‌های بدی می‌کند. فرد احمق انتخاب‌های اخلاقی می‌کند که در نهایت، بر خودش، دیگران، جامعه به طور کلی تأثیر می‌گذارد و انواع مشکلات را ایجاد می‌کند. قضاوت فرد احمق در نوع زندگی او منعکس می‌شود.

بنابراین، شما واقعاً می‌توانید نحوه زندگی آنها را ببینید، و می‌دانید که آنها در واقع تصمیمات بدی در زندگی خود گرفته‌اند. از نظر پولس در افسسیان، حکیم کسی است که خداوند را شناخته و برای خشنودی خداوند زندگی می‌کند. در همین نکته است که او کسانی را که اخیراً، یک یا دو آیه قبل گفته بود، باید مانند فرزندان نور زندگی کنند، به چالش می‌کشد و می‌گوید، اکنون می‌خواهم شما نه مانند افراد نادان، بلکه مانند خردمندان زندگی کنید.

بگذارید چند نکته از این متن را برجسته کنم. با نگاهی به تقابل نابخردانه و خردمندانه، می‌بینید که پولس در اینجا چه می‌کند، او سعی می‌کند زندگی را به جای زیستن نشان دهد تا بتوانید چگونه زیستن را بپذیرید. او الگوهای فکری و رفتاری ناشایستی را نشان می‌دهد که باید کنار گذاشته شوند تا افکار و رفتارهای شایسته و ستودنی در میان فرزندان خدا پذیرفته شوند.

راه‌های احمقانه در مقابل راه‌های عاقلانه. همانطور که اشاره کردم، در متنی که خواندم، او به روشنی بین نادان و خردمند تضاد ایجاد کرد. سپس، او در ادامه آنها را به چالش می‌کشد تا از وقت خود نهایت استفاده را ببرند.

آیه ۱۶، بهترین استفاده از زمان. می‌دانید، انگلیسی خیلی کمکی نمی‌کند، بنابراین بگذارید چند نکته را اینجا روشن کنم. کلمه یونانی یک زبان تجاری است.

این یه زبان بازاریه. داره زمان می‌خره. آدم عاقل زمان می‌خره.

آنها زمان را غنیمت می‌شمارند. از زمان به خوبی استفاده می‌کنند. کارها را به تعویق نمی‌اندازند.

در هر زمان معین، آنها تصمیم درست را می‌گیرند تا بهترین نتیجه را از زندگی خود بگیرند. به تصاحب کردن یا خریدن فکر کنید. در واقع، این کلمه، در واقع ریشه آن مانند خریدن زمان است.

می‌دونی، هر بهایی که لازمه رو پرداز تا واقعاً زمان رو به دست بیاری، کنترتش کنی و ازش خوب استفاده کنی. نذار زمان تو رو کنترل کنه. زمانت رو مدیریت کن.

من اغلب وقتی با رهبران کلیسا در مورد مدیریت زمان صحبت می‌کنم، آن مرز خاص را امتداد داده‌ام. اما نکته اصلی اینجا این نیست. نکته پولس این است که در رقابت اخلاقی، وقتی به رفتار مسیحی فکر می‌کنید، از وقت خود به خوبی استفاده کنید.

دلیلش این است که زمان اینجا بسیار مهم است. روزها شوم هستند. با این حال، مفهوم زمان در کلمه روزها.

روزگار بدی است. نمی‌توانی به هر نحوی فقط زندگی‌ات را بگذرانی. در این دوران، بیشترین بهره را از وقت ببر.

او دوباره ادامه می‌دهد، حالا با استفاده از کلمه‌ی دیگری می‌گوید، نباید احمق باشید. این کلمه هم به زبان phronesis یا phronesis یونانی است؛ چیزی که ما آن را می‌نامیم، او پیشوند کلمه‌ای را معرفی می‌کند که است، کلمه‌ی دیگری برای خرد. به جای اینکه بگوید، احمق نباشید، او می‌آید و از این پیشوند استفاده می‌کند تا بگوید، بله، اینجا احمق نباشید.

اما منظور او این است که مراقب قضاوت‌های اخلاقی نادرست باشید، بلکه سعی کنید از قدرت مغز و ظرفیت ذهنی خود برای چیز دیگری استفاده کنید. اراده خدا را درک کنید و بگذارید آن زندگی شما را شکل دهد. پولس در فصل‌های اول و سوم برای کلیسا دعا کرده بود که چیزهای زیادی در مورد خدا بدانند.

آنها ممکن است از غنای فیض او آگاه باشند. آنها ممکن است بدانند چه چیزی خدا را خشنود می‌کند. آنها ممکن است از اشکال بسیار زیادی در اینجا آگاهی داشته باشند.

او می‌گوید به جای اینکه نادان باشید، به دنبال درک اراده خدا، خواسته‌های خدا و خواسته‌های خدا باشید. و سپس او یک مقایسه دیگر انجام می‌دهد که دقیقاً خارج از کاری است که فرد نادان قرار است انجام دهد. و همان چارچوب مقایسه‌ای.

به عبارت دیگر، نادانان دوست دارند مست شوند، اما خود را با شراب مست نمی‌کنند زیرا به هرزگی می‌انجامد. این کلمه را می‌توان به هرزگی ترجمه کرد.

این منجر به انواع فساد جنسی و انحرافات جنسی می‌شود. کلمه بسیار سنگینی است. تأثرانگیز نیست.

این کلمه رمزآلود است و این مفهوم را دارد. با شراب مست نشوید زیرا به هرزگی منجر می‌شود. بلکه برعکس، مانند خردمندان، سیر شوید و خود را برای سیری روح آماده کنید.

وقتی از روح پر می‌شوید، پولس به صورت دستوری چیزی را که ما در یونانی به آن وجه وصفی می‌گوییم، یعنی پنج وجه وصفی، معرفی می‌کند تا در واقع اثر حاصل از پر شدن از روح را توضیح دهد. برای کسانی که از روح پر شده‌اند، پنج اتفاق در زندگی‌شان می‌افتد. اما قبل از اینکه به آن پنج چیز پردازیم، اجازه دهید توجه شما را به این جمله جلب کنم: با شراب مست نشوید و چگونه می‌توانیم آن را درک کنیم.

می‌توانیم آن را به عنوان فرهنگ عامه درک کنیم، فرهنگی که در آن نوشیدن و افراط در نوشیدن همه جا رایج بود. چیز جدیدی نبود. فرهنگی که در آن نوشیدن بخشی از وعده‌های غذایی روزانه بود.

برخی از محققان در واقع استدلال کرده‌اند که ما آن جمله خاص را درک می‌کنیم: با شراب مست نشوید، بلکه در چارچوب زمان صرف غذا در فرهنگ یونانی-رومی، که در آن، جایی که خانواده دور هم جمع می‌شوند، غذا دارند، سرشار از روح شوید. آنها احتمالاً روی زمین نشسته‌اند. آنها شراب دارند و قرار است سرورهای مذهبی یا آهنگ‌های بت‌پرستانه بخوانند.

من اینجا درباره مسیحیان صحبت نمی‌کنم. آنها خدای خانوادگی خودشان را دارند. بنابراین، حتی در طول صرف غذا، ممکن است برای تشکر از خدایی که آن غذا را برایشان فراهم کرده است، دعا کنند.

و بنابراین، یک محقق خاص که این موضوع را مطرح کرده و محققان دیگر نیز به آن توجه می‌کنند، می‌گوید، می‌دانید، او می‌تواند این را زمینه‌ای ببیند که این را شکل می‌دهد، به طوری که وقتی پولس این را نوشت کلیسای افسس این را شنید و گفت، بله، من آن را فهمیدم. پولس می‌گوید مثل وقت غذا. وقتی به وقت غذا می‌رسیم، به جای همه این فعالیت‌های بت‌پرستانه، این همان چیزی است که باید اینجا اتفاق بیفتد.

این یک دیدگاه است. دیدگاه دیگر در واقع دیدگاهی است که به طور فزاینده‌ای در حال بررسی این آزمون در پس‌زمینه فعالیت‌های باکوس، یک خدای خاص بت‌پرستان، خدای شراب، است. و کسانی که این دیدگاه را دارند، یکی از افراد خاص، راجرز، که این دیدگاه خاص را مطرح کرده است، به درستی اشاره کرده است که در حالی که اعمال و نوشیدن بخشی از آیین‌های این خدای خاص بود.

در واقع، یکی از آیین‌های اصلی که مردم دوست دارند در نیمه‌شب در جشن باکوس یا دیونیسوس به آن بروند، خوردن گوشت خام، گاهی اوقات با خون است، و آنها با آن شراب زیادی می‌نوشند. و همانطور که این کار را انجام می‌دهند، معتقدند که با قدرت خدا پر می‌شوند. و بنابراین، در اینجا، محققانی که این استدلال را در اواخر، فکر می‌کنم اواخر دهه نود، مطرح کرد، قصد داشت توجه ما را به این واقعیت جلب کند که، می‌دانید، این همان چیزی است که اینجا اتفاق می‌افتد.

این افراد می‌دانند که رفتن به معبد این خدای خاص، خدای شراب، خوردن گوشت خام، سیر شدن یا قدرتمند شدن به چه معناست. بنابراین، شما روح را درک می‌کنید؛ من دوست دارم این تشبیه را بکنم، روح بطری، در واقع پر کردن آنها با گوشت خام و احساس قدرت گرفتن توسط باکوس که در تضاد با پر شدن بزرگ است. و حالا وقتی آن روح خدا شما را پر می‌کند، اتفاق دیگری می‌افتد. در S از روح دیگری با یک واقع، مرد تخم‌مرغی کاملاً خوب ساخته شده است زیرا یکی از چیزهایی که ما در مورد این معبد خاص می‌دانیم این است که آیین‌های آنها شامل مستی و بی‌بندوباری زیادی است.

مردم مست می‌شوند؛ مردم در اطراف حرم می‌خوابند و به گونه‌ای رفتار می‌کنند که با هیچ معیاری مناسب نیست. در اینجا، تضاد روح القدس یکی از دلایلی می‌شود که راجرز به طور قطع، قطعاً، قطعاً فکر می‌کند پولس در اینجا نکته بسیار مهمی را مطرح می‌کند زیرا این افراد آواز می‌خوانند، می‌خورند، می‌نوشند و اکنون احساس می‌کنند که توسط روح این الوهیت قدرت یافته‌اند. بر این اساس است که او گفت اگر احساس روح مربوط به پر شدن ماوراء طبیعی از روح خدا باشد، منطقی است که فرض کنیم مستی با شراب می‌تواند یک مفهوم ماوراء طبیعی داشته باشد.

بنابراین، اهمیت آن در تضاد با احساس روح باکوس از طریق شراب و احساس خدای حقیقی و زنده از طریق روحش خواهد بود. من فکر می‌کنم گاهی اوقات ما زمان زیادی را در تحقیقات صرف می‌کنیم تا از این موضوع کلی‌گویی کنیم. در واقع، من از نظر پیشینه، تناقضی نمی‌بینم.

کلیسا با خواندن نوشته‌های پولس چه شکلی می‌شود؟ شبیه بحث‌های زمان صرف غذا به نظر می‌رسد، یا در واقع به نظر می‌رسد که این تصویرسازی همان چیزی است که در معبد باکوس اتفاق می‌افتد. کاملاً منطقی است. نکته پولس در اینجا این است که چه کاری نباید انجام داد.

با شراب مست نشوید. این کاری است که نادانان می‌کنند. برعکس، خردمندان پر و منفع‌ل هستند.

آنها پر شده‌اند. آنها خود را وقف پر شدن از روح کرده‌اند. من بارها در افسسیان گفته‌ام و به شما نشان داده‌ام که چگونه پولس آنچه را که ما آن را الهی منفعل می‌نامیم، قرار می‌دهد و در واقع دعا می‌کند که خدا مردم را تقویت کند یا مردم بتوانند از کمال خدا پر شوند.

در اینجا نیز، او گفت که آنها، با مسئولیت شخصی، باید خود را وقف خدا کنند تا آنها را پر کند، و اگر فقط این کار را انجام دهند، اتفاقی خواهد افتاد. وقتی آنها از روح پر می‌شوند، پنج چیز از آن ناشی می‌شود. و بنابراین، در یونانی، این پنج وجه وصفی را دارید که در مزامیر، سرودها و ترانه‌های معنوی به یکدیگر خطاب می‌کنند.

این اتفاقی است که برای افرادی که سرشار از روح هستند می‌افتد. این یک نتیجه طبیعی است. من در جای دیگری استدلال کرده‌ام که ما در واقع باید به چیز دیگری توجه کنیم که اغلب از آن غافل می‌شویم.

کلمه در یونانی به معنای خواندن سرودهای مذهبی و سرودهای روحانی برای یکدیگر نیست. این کلمه در یونانی به معنای صحبت کردن یا خطاب قرار دادن یکدیگر در مزامیر است. بنابراین، آیا می‌توانید تصور کنید که با کسی صحبت می‌کنید و قلبی که از آن صحبت می‌کنید، رفتاری که نشان می‌دهید و تعامل شخصی شما، آن شخص را تغذیه و شاداب می‌کند، گویی که در حال خواندن هستید و از این قبیل کارها؟

من نمی‌دانم صحبت کردن، سرود خواندن و مزامیر چگونه خواهند بود، اما یک چیز می‌دانم که آنها کسی را تغذیه می‌کنند. کسی را تهذیب می‌کنند. پولس می‌گوید وقتی از روح پر می‌شوید، اولین چیزی که از نظر دستوری، همانطور که وضعیت جمله نشان می‌دهد، نتیجه می‌گیرد این است که گفتار شما تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

نحوه صحبت کردن شما با یکدیگر تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تحت تأثیر قرار می‌گیرد. و شواهد این است که وقتی مردم صدای شما را می‌شنوند، حرف زدن شما را می‌شنوند.

طرز صحبت کردن مثل یه موسیقی فوق‌العاده می‌مونه. من ازت در مورد موسیقی مورد علاقه‌ات نمی‌پرسم چون ممکنه یه سرود مسیحی قدیمی بهم ندی، پس من هم ازت در موردش نمی‌پرسم. شاید بررسی چرا از یه هنرمندی اسم بردی که من نمی‌دونم چیه. اما می‌تونی تصور کنی کسی باهات حرف بزنه؟ و اینکه چه احساسی داری، حسیه که وقتی به موسیقی مورد علاقه‌ات گوش می‌دی، بهت دست می‌ده.

وقتی روح القدس مؤمنان را پر می‌کند، یکی از نتایج، اثرات حاصل، این است که آنها با یکدیگر از طریق مزامیر صحبت می‌کنند. کار دیگری که انجام می‌دهند آواز خواندن است. و این با ملودی ربط دهنده ساخته می‌شود و سومین ملودی را معرفی می‌کند.

آنها این کار را با قلب خود برای خداوند انجام می‌دهند. آنها به این دلیل آواز نمی‌خوانند که این کار خسته‌کننده‌ای است. آنها آواز می‌خوانند زیرا از کمال سپاسگزاری و شادی قلبشان، برای خداوند آواز می‌خوانند.

افرادی که از روح القدس پر شده‌اند، این تأثیر را بر زندگی خود دارند. می‌توانید تصور کنید، بچه‌ها، که شما فقط در حال انجام کارهای خانه هستید، سعی می‌کنید چیزی را در خانه تعمیر کنید، و تنها چیزی که می‌شنوید آواز خواندن همسران است، چه صدای خوب و چه صدای بد، چه اهمیتی دارد؟ آهنگ‌های فوق‌العاده‌ای که خدا را ستایش می‌کنند زیرا او از شادی سرشار است. آیا فکر می‌کنید اولین چیزی که به ذهنتان می‌رسد این است که خانه ما بسیار پرنتش و دشوار است؟ نه.

چیز طبیعی این است که، وای، چه زیبایی. این فوق‌العاده است. خانم‌ها، می‌توانید تصور کنید که هنگام آشپزی در آشپزخانه، شوهرتان چیزی را در فر درست می‌کند، و تلویزیون را خاموش می‌کند، و آن بازی کامپیوتری را متوقف می‌کند، و فقط آواز می‌خواند، و در یک لحظه غیرقابل کنترل آنقدر بلند آواز می‌خواند که می‌توانید صدایش را بشنوید، و می‌دانید که او با شادی و خوشحالی خدا را ستایش می‌کند.

پولس می‌گوید وقتی مردم از روح القدس پر می‌شوند، چیزی در آنچه از قلبشان در ستایش خدا، در سرودن سرود، برمی‌آید، زیباست. چهارمین چیزی که او در آنجا برجسته می‌کند شکرگزاری است. توجه داشته باشید که این تنها چیزی است که او همیشه می‌گوید.

همیشه و برای همه چیز شکرگزار خدای پدر به نام خداوندمان عیسی مسیح باشیم. می‌دانید که او به فضیلت شکرگزاری اشاره کرد؟ شکرگزاری. وقتی مردم از روح القدس پر می‌شوند، سرشار از شکرگزاری هستند.

آنها می‌دانند که خدا چه کرده است، و از قدرت خدا که در درونشان در کار است آگاهند، و رفتارشان یکسان نمی‌ماند. روش رفتارشان یکسان نمی‌ماند. شکرگزاری.

اگر شما هم این را تماشا می‌کنید و متأهل هستید، می‌توانید نکته‌ای را بیان کنید؟ وقتی ناسپاس هستید خودتان را پیدا کنید و از خودتان بپرسید، آیا این فضیلتی که شکرگزاری یا قدردانی نامیده می‌شود، بخشی از نحوه زندگی من است؟ چرا تشکر کردن برایم اینقدر دشوار است؟ متوجه می‌شوم وقتی فرزندانم کاری را انجام می‌دهند که تقریباً بدیهی‌ترین است، و من می‌گویم متشکرم، و ما مهمان داریم، واکنشی می‌بینم. تقریباً مثل این است که، اینجا چه اتفاقی می‌افتد؟ چون به آنها گفته‌ام که من طوری زندگی می‌کنم که انگار حقی ندارم. این به لطف خداست که کسی با کمک کردن یا ارائه خدمتی به من، لطفی به من نشان می‌دهد.

بله، آنها فرزندان من هستند، اما می‌توانستند انتخاب کنند که زندگی من را بسیار دشوار کنند. به همین دلیل، من سپاسگزارم. من به اینجا نرسیده‌ام، اما این حس قدردانی را در خود پرورش می‌دهم.

و احتمالاً متوجه شده‌اید که من زمان زیادی را صرف مطالعه این نوع چیزها در کتاب پولس می‌کنم، و آنها شروع به تأثیر گذاشتن روی من کرده‌اند. می‌توانید این تکلیف را به خودتان بدهید. لطفاً آن را به همسران تحمیل نکنید، بلکه فقط از خودتان بپرسید که چقدر سپاسگزار هستم.

من اغلب به خانواده‌ام گفته‌ام که وقتی سفر می‌کنیم، بیایید فرصتی پیدا کنیم تا کسی از ما تشکر کند. آن موقع است که می‌دانیم انسان هستیم. قدردانی یک فضیلت بزرگ است.

پولس گفت، از روح پر شوید. ما همیشه، همیشه، همیشه خدا را شکر می‌کنیم.

این مکان در قلبی که پر از این حس استحقاق است، به هیچ چیز تبدیل نشده است. احتمالاً این کلمه را چند بار از من شنیده‌اید. من الان در آمریکا زندگی می‌کنم و باورم نمی‌شود

، همه چیز به مکان مربوط می‌شود. همه احساس می‌کنند که حق دارند از همه چیز استفاده کنند. وای واقعاً؟ آیا متوجه هستید که این حق شما نیست که فردی که در فروشگاه مواد غذایی به شما خدمت می‌کند، از خرید شما تشکر کند؟ آیا می‌دانید که این حق شما نیست؟ آیا می‌دانید که این حق شما نیست که وقتی به فروشگاه تارگت می‌روید و فقط سعی می‌کنید وارد شوید و بگویید، اوه، متشکرم، خوش آمدید، خوش آمدید، از خرید شما متشکریم؟

آیا می‌دانید این حق شما نیست که کسی به شما فرصت دهد تا شادتر شوید؟ فکر می‌کنم این حق من نیست. همانطور که روح خدا در ما کار می‌کند، بیایید ببینیم دیگران چه کاری انجام می‌دهند تا به ما کمک کنند تا بتوانیم در این زمینه و به تبع آن نسبت به هموعان خود سپاسگزار خدا باشیم. پنجمین چیزی که وقتی روح ما را پر می‌کند اتفاق می‌افتد این است که کلام دائماً در حال پر شدن است. وقتی روح ما را دائماً پر می‌کند، پنجمین چیزی که اتفاق می‌افتد تسلیم است.

شمشیر. تسلیم. S. بله، کلمه

تسلیم شدن در برابر یکدیگر به خاطر احترام به مسیح. باید بدانید که اینجا، تسلیم شدن در برابر خدا نیست. بله، می‌دانم که اکثر مردم، به محض اینکه درباره تسلیم شدن صحبت می‌کنند، می‌گویند، اوه بله، من تسلیم شدن در برابر خدا را آسان می‌دانم.

اینجا بحث این نیست. تسلیم شدن در برابر یکدیگر به خاطر احترام به مسیح. اینجا است که پولس می‌خواهد این گفتگو را به چگونگی ارتباط زن و شوهرها با یکدیگر ربط دهد.

اگر از روح پر شده باشید، گفتارتان تحت تأثیر قرار گرفته باشد، و برای خداوند سرود بخوانید و آهنگ بسازید، و همیشه از شکرگزاری برای خدا پر باشید، و آماده تسلیم شدن باشید، آن تسلیم برای شما مانند یک شکست نیست. سپس، وقتی از کلیسا به خانه می‌رویم، اوضاع به سمت بهتر شدن تغییر خواهد کرد. بنابراین، بیایید ببینیم پولس چه می‌کند.

امیدوارم تا این لحظه، کم‌کم قدر پاول را بدانی. امیدوارم عاشق پاول بشوی. می‌دانی که من نسبت به پاول تعصب دارم.

من فقط از او خوشم می‌آید. نه به این خاطر که از جنجال خوشم می‌آید، بلکه این پولس است. پولس از آنجا شروع می‌کند، آیه ۲۲، زنان تسلیم درخواست شوهر خود از خداوند باشید.

قبل از اینکه ادامه دهیم، باید توجه شما را به نکته‌ای جلب کنم و چند نکته فرهنگی را به شما نشان خواهم داد تا این گفتگو به شیوه‌ای مناسب پیش برود تا شما را آزرده خاطر نکنم، شما هم برداشت اشتباهی از پولس نداشته باشید و همسران را به دردمس بزرگی نیندازید. آیه ۲۲ به زبان یونانی به این معنی نیست که شما از روح پر شده‌اید. پنج چیزی که در نتیجه این امر حاصل می‌شود، یکی از آنهاست که آیه ۲۲ به عنوان فعل از آن استفاده می‌کند.

بنابراین، وقتی متن در واقع به این صورت خوانده می‌شود که زنان در برابر درخواست شوهرانشان از خداوند تسلیم می‌شوند، اگر آن را به معنای واقعی کلمه ترجمه می‌کردیم، در واقع باید اینگونه خوانده می‌شد. باید

آیه ۲۱ باشد: «به احترام مسیح از یکدیگر اطاعت کنید، زنان نیز از شوهران خود درخواست می‌کنند.» به عبارت دیگر، کلمه «تسلیم شوید» در آیه ۲۱ نیست و از بحث مربوط به پری روح قرض گرفته شده است.

این یعنی احتمالاً همه ما در کلیسا از روح القدس پر شده‌ایم، و اگر خودمان مایل باشیم که از روح القدس پر شویم، می‌توانیم از روی احترام به مسیح، مطیع یکدیگر باشیم. در همین روحیه است که اطاعت زنان باید به طور خاص نسبت به شوهرانشان باشد. به این فکر پایبند باشید، زیرا من چندین بار در تعلیم پولس این فکر را داشته‌ام.

دانشجویان دختر دانشگاه به من می‌گویند که ما از کلمه «س» «خوشمان نمی‌آید. و من می‌گویم، او، کلمه س. «سوشی، آنها می‌گویند نه»

معاشرت‌ها، نه. منظورم اینه که، می‌دونی، دانشجوهای دانشگاه، من به چیزهایی که دوست دارن اشاره می‌کنم. نه، نه، نه، نه.

تسلیم. تسلیم. چرا تسلیم؟ من واکنش، تسلیم دریافت می‌کنم، S کلمه

پولس در آیه ۲۱ می‌گوید، کسانی که از روح‌القدس پر شده‌اند، مطیع یکدیگرند. زنان نیز از شوهران خود درخواست کنند. مطیع باشید، همانطور که مطیع خداوند هستید.

من این موضوع را باز خواهم کرد، اما با توجه به اینکه مخاطبان ما از نقاط مختلف جهان هستند و این مجموعه را به صورت آنلاین دنبال می‌کنند، نمی‌توانم این نکته را به اندازه کافی روشن کنم. بنابراین، باید به برخی از مسائل فرهنگی در قرن اول اشاره کنم که برای درک دستورات عمل‌هایی که پولس در مورد روابط زن و شوهر، روابط والدین و فرزند و روابط ارباب و برده در افسسیان ارائه می‌دهد، بسیار مهم بودند. بنابراین، بیایید به چند مورد از آنها، به ویژه پنج مورد از آنها که مربوط به مسائل فرهنگی است، نگاهی بیندازیم.

اول اینکه، می‌خواهم فقط یک خلاصه، یک بحث کوتاه، مختصر در مورد ترکیب خانوارها، افرادی که در یک خانوار هستند و اندازه متوسط خانوار در برخی محیط‌ها، ارائه دهم. همچنین سعی خواهم کرد توجه شما را به بخش مهمی از نحوه عملکرد خانوارها، چیزی که ما آن را قانون نانوشته آبرو و شرم می‌نامیم جلب کنم. این یک بخش فرهنگی از نحوه رفتار مردم و چگونگی تأثیر آن بر نحوه پذیرش یا پذیرفته شدن افراد در جامعه است.

نکته بعدی که توجه شما را به آن جلب می‌کنم، اختلاف سنی بین زن و شوهر است که در بحثی که در افسسیان خواهیم داشت بسیار مهم است تا به شما در درک چگونگی تأثیر دنیای باستان، ازدواج و اختلاف سنی بر روابط کمک کند. چهارمین چیزی که به شما توجه خواهم کرد، چیزی است که من آن را «پیوند اویکوس پلیس» نامیده‌ام و خوشحالم که برخی از دوستان محقق من اکنون فکر می‌کنند که این کلمه‌ای معتبر است که شما استفاده می‌کنید. من این عبارت را «پیوند اویکوس پلیس» ساخته‌ام که در واقع به معنای مفهوم باستانی، به ویژه در میان یونانیان، است که نظم یا هماهنگی در خانه ارتباط یا تأثیر مستقیمی بر نظم یا هماهنگی در جامعه دارد. بنابراین، وقتی نظم در خانه وجود دارد، احتمالاً در جامعه نیز نظم وجود خواهد داشت.

و فیلسوفان استدلال خواهند کرد که جامعه‌ی وسیع‌تر، شهر وسیع‌تر، از خانوارهای زیادی تشکیل شده است. و بنابراین اگر در تمام این خانوارهای زیاد نظم وجود داشته باشد، احتمالاً و به احتمال زیاد بر نظم در جامعه‌ی وسیع‌تر نیز تأثیر خواهد گذاشت. ما از پاراگراف‌ها برای توضیح این موضوع استفاده می‌کنیم.

همانطور که سعی می‌کنم این را بنویسم، و چون روی این موضوع کار می‌کنم، از استفاده از پاراگراف‌ها برای *oikos*، توضیح یک مفهوم خسته شدم. بنابراین، آن کلمه را ساختم، آن کلماتی که از یونانی می‌آیند می‌نامم. و سعی خواهم کرد برای شما توضیح دهم *oikos polis* برای شهر، و من آن را پیوند *polis*، خانه که چگونه این به آنچه در درک ما از خانوارها می‌گذرد، مربوط می‌شود.

همچنین توجه شما را به این نکته جلب می‌کنم که چگونه بحث‌های رواقی و خوش‌بینانه در مورد ازدواج به ما کمک می‌کند تا بفهمیم که اینجا با پولس چه می‌گذرد. حال، همانطور که نموداری را که به شما نشان داده‌ام می‌بینید، شماره یک را که برای آخر نگه داشتم، زیرا می‌خواستم اولین چیزی باشد که به خاطر می‌آورد، و این چیزی است که اکنون در مورد آن صحبت خواهم کرد، بحث رواقی خوش‌بینانه در مورد ازدواج است. در بحث رواقی خوش‌بینانه در مورد ازدواج، در بین رواقیان این باور وجود دارد که ازدواج مطلوب است.

رواقیون معتقدند که ازدواج به فیلسوف در جستجوی خرد کمک می‌کند. و ازدواج همچنین به جامعه به شیوه‌ای مثبت کمک می‌کند. برای رواقیون، فرد ایده‌آل، فرد خردمند است.

و بنابراین، آنها استدلال خواهند کرد که یک فرد خردمند که قادر به قضاوت عاقلانه و استدلال اخلاقی است، باید ازدواج کند، فرزند داشته باشد و آن فرزندان را مسئولانه تربیت کند، و در واقع، آنها همچنین به شیوه‌ای مثبت بر جامعه تأثیر خواهند گذاشت. با این حال، افراد خوش‌بین با این نظر مخالفند. افراد خوش‌بین ازدواج را دوست ندارند.

آنها فکر می‌کنند ازدواج یک مانع است. می‌گویند ازدواج مانعی برای تلاش یک فرد در زندگی است. ازدواج مانع از این می‌شود که افراد بتوانند هر زمان و هر مکانی که دوست دارند، حرکت کنند و کارهایی را انجام دهند.

آنها در واقع این را اسفناک می‌دانند که یک فرد اشرافی تصمیم به ازدواج و بزرگ کردن فرزندان می‌گیرد. این چیز خوبی نیست. بنابراین، در قرن اول، این موضوع بحث داغی بین رواقیون و کلیون بود.

اما رواقیون همیشه پیروز بودند. آرمان‌های رواقیون بیشتر در جامعه رواج داشت. در زمان پولس، با اختلاف، تأثیرگذارترین گروه فلسفی، رواقیون بودند.

می‌بینید که پولس اینجا چه می‌کند. او با علم به اینکه خوانندگانش یونانی می‌خوانند و به طور قابل توجهی تحت تأثیر فرهنگ یونانی هستند، پیوند برقرار می‌کند. او می‌داند وقتی به خردمند بودن فکر می‌کنید و در مورد ازدواج صحبت می‌کنید، ممکن است خیلی منطقی به نظر برسد.

بنابراین، او بحث خود در مورد ازدواج، در مورد خردمند بودن، را حتی بدون نقطه به پایان می‌رساند. او این جمله آخر بحث خود در مورد زندگی به عنوان یک فرد خردمند را به چگونگی زندگی مشترک زن و شوهرها ربط می‌دهد. من توجه همکارانم را در تحقیقات به این واقعیت جلب کرده‌ام که فکر می‌کنم اگر این کار از جانب پولس عمدی نباشد، خوانندگان پولس در آسیای صغیر می‌گویند، بینگو.

اگر عاقل باشید، اشکالی ندارد که همسر و فرزند داشته باشید. شما آنها را مسئولانه بزرگ می‌کنید و آنها را با ترس از خدا بزرگ می‌کنید. رواقیون معتقدند که خدایان بر ازدواج ریاست می‌کنند و خدایان در کمک به خانواده برای انجام کارهایی که واقعاً باید انجام دهند، بسیار خوب و تأثیرگذار هستند، حتی در مورد تجارت و بردگان و همه افراد خانه برای اینکه خوب عمل کنند.

حدس بزنید پولس چه خواهد کرد؟ پولس مسیح، نه خدایان، را در مرکز زندگی زناشویی به عنوان الگو و انگیزه قرار خواهد داد تا آنها با یکدیگر در صلح زندگی کنند. حال که صحبت از رواقیون شد، اجازه دهید توجه شما را به نوشته‌های یامبرو جلب کنم. یامبرو کسی است که به نظر من یکی از بحث‌های شگفت‌انگیز در مورد این موضوع بحث بدبینی رواقیون را به ما ارائه داده است.

او در کتاب خود می‌نویسد که آنها، رواقیون، استدلال می‌کنند که ازدواج مطلوب است و همسر و فرزندان برای انسان مفید هستند، خانه را اداره می‌کنند، در پیری از او مراقبت می‌کنند و او را از دنبال کردن فلسفه آزاد می‌کنند. رواقیون همچنین دلیل دیگری برای ازدواج دارند، دلیلی که بحث را در زمینه جدیدی قرار می‌دهد. آنها استدلال می‌کنند که ازدواج نه تنها فرد را برای مطالعه فلسفه آزاد می‌کند، بلکه او را برای شرکت در امور سیاسی نیز آزاد می‌کند.

در واقع، رضایت برای دولت‌شهر، یعنی شهر، برای آنها در اولویت است. آنها استدلال می‌کنند که بدون ازدواج، عشق به فرزندان وجود نخواهد داشت و بدون فرزندان، شهرها از بین خواهند رفت. با توجه به این نکته، می‌توانم بگویم که شاید پولس این را در پس‌زمینه گفتگوی خود در مورد خانواده مطرح می‌کند.

نکته بعدی که می‌خواهم سریعاً توجه شما را به آن جلب کنم، ترکیب خانوار با افراد و اندازه آن است. برخی خانوارها 20 نفر یا بیشتر خواهند داشت. برخی از محققان حتی تخمین زده‌اند که اکثر خانوارها ممکن است 20 نفر یا بیشتر داشته باشند.

این افراد از بردگان تشکیل می‌شوند و برخی از بردگان حتی ممکن است فرزند داشته باشند. و شما می‌خواهید بدانید که اگر شما صاحب برده‌ای هستید و آن برده فرزند دارد، فرزندان متعلق به ارباب برده هستند. و حتی اگر برده آزادی آنها را بخرد، ارباب همچنان مالک فرزندان است که در زمان بردگی آن شخص به دنیا آمده‌اند.

بنابراین، شما در آنجا فرزندان خواهید داشت که فرزندان مشروع و وارث مشروع پدر نیستند، اما می‌توانند فرزندان بردگان باشند. نکته دیگری که می‌خواهید بدانید، فکر می‌کنم قبلاً در این مجموعه به آن اشاره کردم، این است که در یک شهر متوسط، 30 تا 35 درصد از جمعیت را بردگان تشکیل می‌دهند. بنابراین برده‌داری بسیار رایج بود.

همچنین باید توجه شما را به این نکته جلب کنم که وقتی در عهد جدید درباره خانواده‌ها می‌خوانید و به فرزندان برمی‌خورید، لزوماً از یک مادر نیستند، زیرا گاهی اوقات فرزندان، فرزندان مردی هستند که همسرش فوت کرده و آن مرد با زن دیگری ازدواج کرده و فرزندان بیشتری از آن زن دارد. یا منظور از فرزندان فرزندان است که آن مرد با همسرش داشته است، فرزندان برده که در آن خانه هستند و آنها نیز فرزندان او هستند. اگر مرد مسن‌تر باشد، می‌تواند فرزندان دخترش نیز باشد که ازدواج کرده و شوهر فوت کرده است و فرزندان نزد پدرش آورده شده‌اند تا پدرش از فرزندان مراقبت کند و او این فرصت را داشته باشد که برود. و با مرد دیگری ازدواج کند و فرزند داشته باشد.

بچه‌ها در بافت باستانی آن حس و حالی را که ما امروزه وقتی به فرزندانم فکر می‌کنیم، دارند، ندارند. در خانه، ساختارهای طبقاتی روابط وجود داشت. شوهر رئیس خانه است.

او همچنین ارباب برده است. و شما می‌خواهید بدانید که شوهر رئیس است، زن چیزی است که من به آن مدیر ارشد عملیات، مدیر ارشد عملیات خانه می‌گویم. او رئیس است.

شوهر سر است. و پولس به این موضوع استناد می‌کرد. اما او کارهای زیادی را با همسر و از طریق همسر انجام می‌داد، همانطور که بعداً توضیح خواهیم داد.

من دوست دارم توجه شما را به صحبت‌های یک محقق زن که در مورد این موضوع صحبت می‌کند جلب کنم تا مسائل را متعادل کند. برخی از همکاران زن من که روی این موضوع کار کرده‌اند، نکات مهمی را در مورد چند حوزه که باید از آنها آگاه باشیم، روشن می‌کنند. پومروی می‌نویسد که اختلاف سنی بین همسران، در اولین ازدواج، میانگین سن مرگ مردان که ۴۵ سال خواهد بود، و بیزاری از زندگی زنان بارور بدون شوهر این احتمال را ایجاد می‌کند که کودکان در اوایل زندگی یتیم، بی‌پدر و بی‌سرپرست شوند و یک بیوه جوان دوباره ازدواج کند، شاید فرزندان خود را در خانه پدرشان بگذارد و دوباره مادر شود، یا، و یا نامادری در جای دیگری شود.

یکی دیگر از زنان، همکار من که اخیراً بازنشسته شده است، یک راهبه کاتولیک به نام لین اوسیک، واحدهای خانوار و خانواده را می‌نویسد که شامل کودکان، بردگان، اقوام مجرد، اغلب مردان آزاد شده و زنان آزاد شده و سایر مستاجران مغازه یا ملک مسکونی می‌شود. زنان نیز سرپرستی برخی از خانوارها را به تنهایی و با زنان دیگر بر عهده داشتند. بنابراین، به نظر می‌رسد که علیرغم ساختار قانونی کاملاً مردسالارانه خانواده‌ها، تنوع زیادی در ترکیب خانوارهای واقعی وجود داشته است.

بنابراین، این در واقع به ما یادآوری می‌کند که وقتی به ترکیب خانواده باستانی فکر می‌کنیم، باید مراقب باشیم که خیلی سریع پیش نرویم و برخی از چیزهایی را که برای ما توضیح داده شده است، درک نکنیم و طوری وانمود نکنیم که انگار، اوه، مردان همیشه مستبد هستند، زنان هیچ حقی ندارند و خانواده بر اساس ساخته شده است. فقط ترکیب را درک کنید. نکته دیگری که می‌خواهم توجه شما را به آن جلب کنم ... آبرو و شرم است. آبرو و شرم، کدهای نانوشته دنیای باستان بودند.

چیزی که ما آن را افتخار انتسابی می‌نامیم، در واقع از طریق تولد، ثروت یا قدرت قابل دستیابی است. بنابراین، اگر در خانواده‌ای اشرافی متولد شده باشید، در واقع این افتخار به شما تعلق می‌گیرد. چیزی که ما آن را افتخار اکتسابی می‌نامیم.

این [وجاهت] اعطا می‌شود. اگر به چیزی دست پیدا کنید یا زندگی آبرومندانه‌ای داشته باشید و حتی از خانواده‌ای فقیر باشید، به خاطر اینکه خودتان را جمع و جور می‌کنید، شناخته می‌شوید؛ در جامعه رفتار خوبی دارید و این افتخار را به دست می‌آورید. برای اعضای خانواده بسیار مهم بود که برای حفظ آبروی خانواده، رفتار خوبی داشته باشند.

بدترین اتفاقی که می‌توانست در جامعه باستان برای آنها بیفتد این بود که به عنوان یک خانواده ننگین یا بی‌آبرو شناخته شوند. آبرو و شرمساری چیزهای بسیار مهمی بودند؛ همانطور که ریورز بیان کرد، آبرو ارزش یک فرد در نظر خودش، و همچنین در نظر جامعه‌اش است. آبرو برآورد ارزش خود او، ادعای غرور او، و همچنین تصدیق این ادعا است، برتری او که در جامعه با غرور درستش به رسمیت شناخته می‌شود.

زنان در این بستر آبرو و شرم، منابع بالقوه‌ی شرم بودند. و این نقش سرپرست مرد خانواده بود که با محافظت از زن، یعنی عفت جنسی زن، از آبروی خانواده پاسداری کند. ما می‌دانیم که یکی از بدترین اتفاقاتی که می‌تواند برای مردی که سرپرست خانواده است رخ دهد، این است که یکی از زنان خانه‌اش توسط یک غریبه مورد تجاوز جنسی قرار گیرد.

در واقع به این معنی بود که او، سرپرست مرد خانواده، و تمام مردان خانواده قادر به محافظت از زنان خانواده خود نبودند. بنابراین، از زنان نیز خواسته می‌شود که سهم خود را در حفظ آن اجبار خانوادگی انجام دهند. همه تلاش خود را می‌کنند تا مطمئن شوند که آبروی خانواده حفظ می‌شود.

برای اختلاف سنی، باید بدانید که میانگین سن زنان، به ویژه برای رومی‌ها، یونانی‌ها و بیشتر یونانی‌ها، حدود سال خواهد بود. اما برای رومی‌ها، زنان در مقایسه با مردان، می‌توانستند تا ۱۲ سالگی از ازدواج منصرف ۱۴ شوند. مردان بین ۲۵ تا ۳۰ سالگی ازدواج می‌کردند.

بنابراین توجه داشته باشید که وقتی در عهد جدید درباره روابط زن و شوهر می‌خوانید و می‌شنوید که شوهر رئیس است، او نه تنها به این دلیل رئیس است که از نظر فرهنگی مرد است، بلکه، درست است که چون او در جامعه مردسالار مرد است، از برخی امتیازات و اولویت‌ها برخوردار است. اما نکته دیگر این است که او ۱۰ سال یا بیشتر از همسرش بزرگتر است. و در آن فرهنگ، سن بسیار مهم است.

شما به کسانی که از شما بزرگتر هستند احترام می‌گذارید، از آنها اطاعت می‌کنید و در حضور کسانی که از شما بزرگتر هستند، رفتار خوبی دارید. بنابراین، وقتی پولس به زن می‌گوید که از شوهرت اطاعت کن، چیزی نمی‌گوید که زن قرن اول را ناراحت کند. در واقع، کاری که پولس در افسسیان انجام می‌دهد، که شاید برایتان قابل درک باشد، این است که او حقوق زیادی را از مرد سلب می‌کرد.

و توجه شما را به آن جلب می‌کنم. نکته دیگری که به شما گفتم و توجه شما را به آن جلب می‌کنم، پیوند اویکوس-پولیس است که اساساً، به بیان بسیار ساده، نظم در خانه و نقش‌هایی که هر یک از اعضای خانه، ایفا می‌کنند برای نظم در یک جامعه مهم است. کلمه کلیدی وقتی در مورد خانه و سیاست صحبت می‌کنند، هماهنگی یا هماهنگی کلمات است.

مسیحیان اولیه آن را بسیار بسیار مهم می‌دانستند. و در واقع فکر می‌کردند که این مفهوم خوبی است. بنابراین، آنها شروع به اشاره به کلیسا به عنوان یک خانه کردند.

آنها از تصاویر خانه برای کلیسا استفاده می‌کنند. بنابراین وقتی مسیحیان در خانه کوچک خود خوب رفتار می‌کنند، خانه بزرگ خدا شروع به عملکرد خوب می‌کند. فقط توجه خود را به این نکته جلب کنید که چگونه خانه در خانه شخصی با جامعه سیاسی گسترده‌تر مرتبط است.

یه دقیقه دیگه یه چیزی در مورد ارسطو بهتون نشون میدم. پس لطفاً توجه داشته باشید که منظور پولس اینه که اون تمام این مدت در مورد روابط در خانواده خدا صحبت کرده. حالا میگه اگه از روح القدس پر بشید، همه این چیزها از شما بیرون میاد.

و در میان آنها فروتنی یا تسلیم است. سپس تسلیم به این سوال می‌پردازد که چرا باید تسلیم شوهر خود، باشید؟ سپس، او در مورد خانواده کوچک بحث می‌کند. بنابراین اگر خانواده کوچک به خوبی کار کند، کلیسای بزرگ خدا به خوبی عمل خواهد کرد.

چون می‌دانید چیست؟ کلیسا از خانواده‌ها تشکیل شده است. و اگر خانواده‌ها به خوبی با هم کنار نیایند و چند خانواده در یک خانه باشند، حدس بزنید مشکل چه خواهد بود؟ اینها کلیساهایی هستند که در خانه‌های مردم تشکیل جلسه می‌دهند. هیچ مهدکودکی وجود نداشت، فقط برای اینکه اگر منظورتان این است، برای کودکان حاضر در مراسم وجود داشته باشد.

هیچ گروه جوانانی وجود ندارد. همه آنها با هم ملاقات می‌کنند. بنابراین، تصور کنید اگر در خانه‌های کوچک بی‌نظم باشید؛ وقتی به کلیسا در خانه کسی می‌روید و محدودیت زمانی ندارید، این چگونه اعمال خواهد شد؟

خدا کلیساهای غربی ما را حفظ کند. ما گاهی اوقات برای یک ساعت، یک ساعت، ۱۵ دقیقه، یک ساعت یا دقیقه به کلیسا می‌رویم و مراسم تمام می‌شود. نه، شما به کلیسا می‌روید و تا زمانی که بچه‌ها آنجا ۳۰ هستند، خوش می‌گذرانید.

ساختار، تربیت، عشق، و هر آنچه در خانواده می‌گذرد، اکنون تأثیر مستقیم خود را نه لزوماً بر جامعه سیاسی، بلکه بر خانواده خدا می‌گذارد. من استدلال کرده‌ام که به نظر می‌رسد پولس در نحوه تدوین اخلاق خانوادگی خرد و خانوادگی کلان خدا در رساله‌ی افسسیان، از این موضوع سوءاستفاده می‌کرده است. از نظر سیاسی، اگر توجه شما را به دو نکته جلب نکنم، کار درستی نکرده‌ام.

یکی از آنها کسی است که پس از بیان افلاطون، ارسطو، و اینکه چگونه سایر فیلسوفان آن را برداشت کردند، در واقع این موضوع را به روشنی استدلال کرد و سپس تا قرن اول، این موضوع به بخشی از فرهنگ عامه در نحوه نگاه مردم به خانواده‌ها تبدیل شد. بنابراین، ارسطو در کتاب سیاست خود می‌نویسد که عدالت، پیوند انسان‌ها در دولت‌ها برای اجرای عدالت است، که تعیین عدالت، اصل نظم در یک جامعه سیاسی است. با توجه به اینکه دولت از خانوارها تشکیل شده است، قبل از صحبت در مورد دولت، باید از مدیریت خانوار صحبت کنیم.

ارسطو در ادامه می‌گوید که زنان باید از شوهران خود اطاعت کنند. او تقریباً مانند پولس، دستورالعمل‌های روشنی در مورد نحوه رفتار اعضای خانواده ارائه می‌دهد. در مورد رئیس مرد، من تصمیم گرفتم توجه شما را به پلوتارک جلب کنم.

وقتی یک سخنور است، این انتقادی است علیه یک سخنور، گورگیاس، که در المپیا خطابه‌ای درباره کنکور برای یونانیان خواند. به عبارت دیگر، او می‌خواهد مردم را به سوی وحدت سوق دهد. و پلوتارک از آنچه در حال وقوع است انتقاد می‌کند.

و با این حال، در خانه‌ی خودش، بر خودش، همسر و خدمتکارش، سه نفر، که فقط در کنکور زندگی می‌کنند، غلبه نکرده است. زیرا ظاهراً از طرف گورگیاس عشق و از طرف همسر نسبت به دختر حسادت وجود داشته است. بنابراین، مردی که می‌خواهد دولت، انجمن و دوستانش را هماهنگ کند، باید خانه‌اش را به خوبی هماهنگ کند.

نکته این است که گورگیاس می‌آید و می‌گوید، هی، من یک سخنران عالی هستم. می‌خواهم شما را وادار کنم. که دور هم جمع شوید. و نقد این است.

هر سه نفر در خانه او هستند و او نتوانسته آنها را کنار هم نگه دارد. فکر می‌کنید چرا او پیامی در مورد هماهنگی برای بقیه پلیس دارد؟ و بنابراین پلوتارک به شدت از این موضوع انتقاد خواهد کرد. در همین راستا است که توجه شما را به رابطه زن و شوهر در افسسیان جلب می‌کنم.

افسسیان در ادامه زنان را فرا خواهند خواند تا داوطلبانه از شوهران خود اطاعت کنند. این کلمه در اصطلاح یونانی به معنای تسلیم داوطلبانه است. او باید در خداوند تسلیم شود.

این تایید مسیح‌شناختی است که چرا او باید مطیع باشد. این کار درستی است که مسیحیان باید انجام دهند. به عنوان یک همسر، به نفع شماست که در برهه‌ای از زمان مطیع شوهرتان باشید.

در واقع، برای شوهر، کارهای زیادی برای انجام دادن دارید. پولس شوهر را به چالش می‌کشد تا زن را همانطور که مسیح کلیسا را دوست دارد، دوست داشته باشد. مسیح باید الگوی شوهر باشد.

مسیح خود را برای کلیسا فدا کرد، و شوهر نیز باید خود را برای همسرش فدا کند. اگر قرار است چنین کاری انجام دهد، در نهایت اتفاقی که می‌افتد این است که او می‌تواند با کاری که انجام می‌دهد، همسرش را تقدیس کند و کلیسا را به خود تقدیم کند. به عبارت دیگر، همسرش برای خودش مانند کلیسا برای مسیح در شکوه و جلال بود، در جلال و شکوهی بدون لکه یا چین و چروک یا هیچ اثری از آن.

من این را دوست دارم. تو همسرت را دوست داری و به او اهمیت می‌دهی. او آنقدر زیبا خواهد شد که چین و چروک‌ها و همه چیزهای دیگر ناپدید می‌شوند.

که او، او (زن/شوهر) مقدس و بی‌عیب و نقص باشد. مبنای الهیاتی این امر روشن است. کتاب مقدس می‌گوید که زن و شوهر باید با هم باشند.

موسونیوس روفوس توجه ما را به چیزی جلب کرده است که محققان سعی در کم‌اهمیت جلوه دادن آن داشته‌اند و برخی از ما به عنوان محققان جوان برای آشکار کردن آن وارد عمل شدیم. این تصور وجود داشت که در دنیای باستان، مردان هرگز همسران خود را دوست نداشتند. کاملاً اشتباه است.

ما در حال بررسی داده‌های زیادی هستیم که نشان می‌دهد مردان عاشق همسرانشان هستند. در واقع، گاهی اوقات مردان به دلیل وابستگی و احساساتی بودن در رابطه عاشقانه خود با همسرانشان مورد انتقاد قرار می‌گیرند. برخی از فیلسوفان نمی‌خواهند کار خود را به خوبی انجام دهند زیرا بیش از حد به همسرانشان وابسته هستند و آنها را دوست دارند.

آنها می‌خواهند با همسران قرارهای عاشقانه و از این قبیل داشته باشند و به همین دلیل مورد انتقاد قرار می‌گیرند. موسونیوس روفوس می‌گوید که هدف اصلی ازدواج، زندگی مشترک با هدف تولید مثل است. او می‌گفت زن و شوهر باید به منظور ایجاد یک زندگی مشترک و تولید مثل فرزندان و علاوه بر این، به منظور توجه به همه چیز بین خود و عدم تعلق به هیچ چیز خاص برای یکی یا دیگری، حتی برای بدن خودشان، با هم جمع شوند.

در ازدواج، به این نکته توجه داشته باشید: باید بیش از هر چیز، همراهی کامل و عشق متقابل زن و شوهر وجود داشته باشد. این یک نوشته مسیحی نیست. چه در سلامتی و چه در بیماری و در هر شرایطی، زیرا هر دو با میل به این امر و همچنین داشتن فرزند وارد ازدواج شدند.

از تمام روایت‌هایی که از دنیای باستان داریم، مشخص است که عشق از طریق مردان ابراز می‌شد و عشق به همسر اهمیت داشت. در اینجا، مردان تشویق می‌شوند که همسران خود را دوست داشته باشند، زمانی که از همسران خواسته نمی‌شود که به شوهرانشان اجازه دهند به آنها امر و نهی کنند، بلکه از آنها خواسته می‌شود که داوطلبانه از آنها اطاعت کنند. اگر فرهنگ باستان را بشناسید، می‌دانید که زنان در این زمینه از آنچه پولس می‌گوید بسیار بسیار خوشحال می‌شوند، زیرا او به شوهر هیچ دستوری برای تحمیل چیزی به آنها نمی‌دهد، بلکه آنها این کار را با میل و رغبت انجام می‌دهند زیرا آنها با روح خود آزاد هستند و تسلیم شدن در برابر شوهرانشان نتیجه طبیعی آن است.

پولس در مورد رابطه با پدران و فرزندان می‌نویسد: پدران فرزندان خود را خشمگین نمی‌کنند، بلکه آنها را با تأدیب و آموزش در خداوند تربیت می‌کنند. فرزندان، از والدین خود در خداوند اطاعت کنید زیرا این درست است. به پدر و مادر خود احترام بگذارید زیرا اگر این کار را انجام دهید، دو وعده برای شما وجود خواهد داشت.

ممکن است اوضاع خوب پیش برود و شما عمر طولانی‌تری داشته باشید. این کار درستی است. در نهایت در مورد بردگان، پولس بردگان را به چالش می‌کشد تا با ترس و لرز، با قلبی خالص از اربابان خود اطاعت کنند، همانطور که از مسیح و اربابان خود اطاعت می‌کنند؛ او آنها را به چالش می‌کشد تا در نحوه رفتار با بردگان خود نیز همین کار را انجام دهند، با این آگاهی که خداوند همه آنها را پاسخگو خواهد دانست.

او از آنها می‌خواهد که بردگان خود را تهدید نکنند، و وقتی از کلمه ارباب استفاده می‌کند، از کلمه‌ای استفاده می‌کند که ما آن را به عنوان ارباب برای عیسی مسیح ترجمه می‌کنیم. پولس در خانه، زنان را به تسلیم و شوهران را به عشق ورزیدن فرا می‌خواند، و اگر به دستورالعمل شوهر نگاه کنید، قرار است شوهر فراتر از قلمرو تسلیمی که برای زن بیان شده است، عشق بورزد. شرح و بسط آن در واقع مستلزم حس دیگری از تسلیم است، اما این بار در چارچوب عشق، با دانستن اینکه مرد، که یکی از چیزهایی است که ما با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم، باید خیلی خوب عشق بورزد.

وقتی صحبت از بخش عاشقانه می‌شود، ما فاقد عشق هستیم. عشق، ایثار و خدمت به خود است و ما این را خیلی دوست نداریم. و سپس او از فرزندان می‌خواهد که از والدین خود اطاعت کنند، از والدین می‌خواهد که فرزندانشان را مسئولانه تربیت کنند.

بردگان از اربابان خود اطاعت می‌کنند. اربابان، مراقب باشید که بردگان را آزرده خاطر نکنید. اگر جامعه مسیحی به این شکل با هم همکاری کند، چند اتفاق خواهد افتاد.

آنها خانواده‌ای محترم خواهند داشت. جامعه به آنها احترام خواهد گذاشت. ساختار و نظم در خانواده تأثیر مستقیمی بر کلیسای وسیع‌تر خواهد داشت.

آنها خواهند فهمید که به عنوان یک خانواده، مورد محبت قرار می‌گیرند و یکدیگر را دوست خواهند داشت. و به همین دلیل، دوست داشتن سایر افراد در کلیسا یا دوست داشتن خدا برایشان دشوار نخواهد بود. کلیسا به کلیسای تبدیل خواهد شد که خدا می‌خواهد، نه کلیسایی که در آن مردم دور هم جمع می‌شوند و مسیحی می‌شوند و به خانه می‌روند و شیطان می‌شوند. پولس هر دو را در اینجا به هم پیوند می‌دهد.

مسیحیان خردمند با درستکاری زندگی می‌کنند. درستکاری مسیحی در خانه مشابه چیزی است که در اجتماع ایمانی منعکس می‌شود. امیدوارم این موضوع، بحث را برای شما در چارچوب مناسبی قرار دهد.

من وقت زیادی برای باز کردن جزئیات نداشتم، اما امیدوارم پیش‌زمینه‌ای که در مورد بحث خانه‌داری به شما دادم، شما را برای وقت گذاشتن، غرق شدن در آن و به عنوان یک مرد شدن، به چالش کشیدن میزان خواسته از شما، آماده کند. و همسر، دوباره به این متن نگاهی بیندازید، و متوجه خواهید شد که اگر مرد شما فقط آنچه را که از او خواسته شده انجام دهد، تسلیم شما تقریباً هیچ خواهد بود. امیدوارم هنوز از پولس و دستورالعمل‌های او در مورد ازدواج راضی باشید.

فکر می‌کنم نکته‌ی ارزشمندی اینجا وجود دارد. مادر بودن و پدر بودن مسئولیت نیست. بیایید اجازه ندهیم جامعه این وظیفه‌ی شریف را از ما بگیرد.

این یک چیز شریف است. خداوند ما را به پدر و مادر بودن فراخوانده است. بیایید با هم تلاش کنیم و محیطی امن برای فرزندانمان ایجاد کنیم.

متشکرم، و خدا شما را حفظ کند. شما

من دکتر دن دارکو و مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان هستم. این جلسه ۲۹ از مجموعه قوانین خانه، افسسیان ۵:۲۱-۹:۶ است.